

ساختار شعر جاهلی و چالش‌های آن در مطالعات نوین

(با اتکا به اندیشه‌های طه حسین)

نگارنده: دکتر مذکر ناصر القحطانی

دانش‌گاه: الحدود الشماليه، عربستان سعودی

نشریه: الاثر، شماره ۳۰ جون ۲۰۱۸، صص ۱۶۹-۱۸۰

برگردان از: پوهیالی سوما نظری^۱

چکیده

مطالعات و پژوهش‌ها درباره شعر جاهلی در نوشته‌های امروزمین باید باعث غنای مطالعات نقد ادبی شود؛ در این بحث تلاش بر این است که ساختار شعر جاهلی و قضایای آن از خلال دیدگاه‌های طه حسین مطالعه شود. ما در این مقاله در تلاش تبیین این امر ایم که ساختار شعر جاهلی متماسک و زنجیره‌یی نبوده؛ بل که ساختاری قابل تجزیه و تحلیل، نقد و بررسی بوده و می‌توان برخی از احکام مسلم درباره این ساختار را بی‌اعتبار خواند. در رابطه به شعر جاهلی مسائل جنجال‌برانگیز بسیاری است، شاید از مهم‌ترین آن‌ها این باشد که شعر جاهلی تراوشی از دوره جاهلی نبوده، که در بسیاری از مواضع جعلی و ساخته‌گی است.

واژه‌گان کلیدی: شعر جاهلی، گمانه، جعل و اسلام.

^۱ استاد بخش ادبیات عرب پوهنتون ادبیات و علوم بشری پوهنتون هرات

مقدمه

شعر جاهلی در طی سده‌های متعددی برای پژوهش‌گران و ناقدان در عرصه ادبیات و نقد، جوهر خوبی بوده و نخستین مصدر ادبی تمدن عرب است که بر پایه شعر و بازخوانی آن بنا یافته است. در این دوره پژوهش‌گران نگاه‌های خود را به شفاهی بودن شعر جاهلی معطوف نموده، اندیشه‌های خویش را بیان و کتاب‌هایی ویژه در زمینه نقد و بررسی آن به هدف روشن کردن ویژه‌گی‌ها و رواج آن در میان شاعران تألیف نمودند؛ اما پس از تدوین آثار در این باب، قضایای دیگری مطرح شد که به اصول این شعر و قضایای دیگری بسان جعلی بودن آن وابسته بود (الأسد؛ ۱۹۸۸: ۲۹). از اهداف این مقاله نیز بازخوانی شعر جاهلی با دید انتقادآمیز است که در پی بیان اصالت شعر جاهلی در مطالعات نوین باتوجه به دیدگاه طه حسین در شعر جاهلی می‌باشد. این چالشی است که باید پی‌افکنده شود؛ به‌خصوص این که طرح دوباره این مسأله به معنای تکرار مطالعات پیشین نیست؛ بل که کوشش این مطالعات بر این است که از زاویه دید نوین و متفاوت با دیدگاه‌های متداول به نقد و بررسی بپردازد.

آن چه در این جا قابل یادآوری می‌باشد این است که مراد ما از اصطلاح اصالت عبارت از شناخت اصول معرفتی و چه گونه‌گی شکل یافتن شعر جاهلی به عنوان یک مجموعه قوانین مغلق است. هم‌چنان مراد از بُن، ریشه‌ها و اصول شعر جاهلی است، متکای ما در این بحث یکی از آثار مرجع است که باعث رفع ابهام و وضوح مراد در این مطالعات می‌شود، آن کتاب مرجع «الشک فی الشعر الجاهلی / گمانه‌ها در شعر جاهلی» از ادیب طه حسین است. بسیاری از پژوهش‌گران درباره گمانه‌زنی‌های موجود درباره شعر جاهلی در این کتاب و طرح نظریه‌های جدید در بیان اصالت آن قلم‌فرسایی کرده‌اند. کتاب یکی از مطالعات همه‌جانبه درباره شعر جاهلی است؛ اما از یک طرف شامل نظریاتی درباره استواری بیان اصالت شعر جاهلی است و در عین حال نظریات کهن در باب این شعر را نیز رد می‌کند. روش به کار رفته در این مقاله تحلیلی - نقدی است، و جزئیات این مقاله شامل این مسائل است:

- چهارچوب نظری؛
- تشخیص ساختار؛
- شعر شفاهی؛
- شعر نوشتاری؛
- شعر جاهلی و چالش اصالت آن؛
- گمانه‌زنی در شعر جاهلی؛
- جعل شعر.
- نتیجه.

۱. چهارچوب نظری

۱-۱. تشخیص ساختار

در همهٔ محورهای این پژوهش کوشش بر این است که خواننده را با پی‌افکندن علمی و استدلالی همهٔ موضوعات، حتا مفاهیم و اصطلاحات، با خود به پیش ببریم. بناءً نوعیت این پژوهش ما را وادار می‌کند که متکی به روش علمی - استدلالی بوده و به جزئیات و شرح‌هایی که محل شرایط اکادمی این چنین پژوهش‌ها است، نپردازیم. ممکن است در این مقاله مفاهیم و اصطلاحات را از نو بررسی کرد تا بتوان چند و چون شکل‌گیری شعر را دانسته و نشانه‌های ساختاری فرهنگ عرب را مشخص کرد. ایمل بنوینست (Émile Benveniste) در تعریف ساختار می‌گوید: ساختار عبارت از سیستم هم‌آهنگی است که تمام اجزای آن به اساس پیوند و انسجام موجود در میان شان با هم‌دیگر هم‌بسته‌گی دارند؛ به گونه‌یی که زبان را مجموعه‌یی از واحدها یا نشانه‌های گفتاری می‌گرداند که برخی از آن‌ها با برخی دگر تعامل و ارتباط دارد (بنفیسست؛ ۱۹۹۵: ۱ / ۸۹). هم‌چنان اندره لالاند (André Lalande) در تعریف ساختار در قاموس خود چنین ابراز نظر می‌کند: همهٔ اجزای پدیده‌های به هم‌پیوسته‌یی که هر یک از آن‌ها با دیگری وابسته است (۲۰۰۲: ۱ / ۱۰۲). تعریف وی از ساختار، با توجه به معنای عام کلمه است؛ یعنی کلی که ممکن است به اجزای کوچک‌تر تجزیه شود، عناصر و چند و چون کاربرد آن‌ها شناخته شود. دکتور حناش نیز تأیید می‌کند که: ساختار عبارت از اعتراف همهٔ اعضای مکتب ساختارگرایی بر وجود نظامی است که در پرتو قوانینی خاص کار می‌کند. این نظام بر پایهٔ کاربرد داخلی این قوانین، بدون توجه به قوانین خارجی استوار بوده و پیشرفت می‌کند، این قوانین مشخصاً این‌ها اند: شمولیت، دگرگونی و هم‌آهنگی درونی (عبداللطیف؛ ۱۳۳۴: ۵-۷).

۲-۱. شعر شفاهی

ادبیات شفاهی که اکنون در متون و عبارات محفوظ است، همان الفاظ متداول در میان مردم بوده که حافظه، نقطهٔ اتکای آن‌ها است و یکی از ویژه‌گی‌های عصر جاهلی نیز کثرت آثار شفاهی است. در این باره والتر اونگ تعریف مهمی را ارائه می‌دارد که به میزان بالایی دربارهٔ تفسیر سخنان ما مفید واقع خواهد شد، او گفتار را سخنی خطابی می‌داند و در تعریف کلام شفاهی می‌گوید: «خطابه در واقع هنر سخن‌وری در مقابل مردم است؛ یعنی هنر سخنوری شفاهی به خاطر متقاعد ساختن مخاطب (به معنی بلاغت در مباحثه و دادرسی در

کارها) یا بیان اندیشه‌ها و اطلاعات (به معنای بلاغت در صورت ظاهری) است» (۱۹۹۴: ۱۶۵-۱۶۶). از بیانات اونگ چنین استنباط می‌شود که او گفتار شفاهی را خطابیه یا هنر سخنوری شفاهی می‌داند؛ چون بر پایه روانی و جلب توجه خواننده است و در اصل زبانی آزاد و بی‌قید و بند است که هیچ حدی را نمی‌شناسد؛ درحالی که خطیب یا سخن‌گوی شفاهی به گفتار خویش مسلط است، به‌ترین دلیل بر این ادعا این است که شاعر خطیب چیره‌دستی است که متن‌ها را بدون کج‌فهمی به مخاطب انتقال می‌دهد؛ اما با آن هم سخنوری شفاهی مشکلات و معایبی دارد که در جایش بررسی خواهد شد.

گفتار ارتباط تنگاتنگی با قوه ادراک دارد؛ چون مبنی بر منطقی عقلانی است که در نوشته‌های پژوهش‌گران به گونه‌های مختلفی توصیف شده است و شاید آن‌چه توجه ما را جلب کرده همان پیوندی باشد که جودیت گرین در کتابش «التفکیر واللغة / تفکر و زبان» تذکر داده است، او قائل به ارتباطی نزدیک در بین تفکر و حافظه است. جودیت گرین می‌گوید:

حافظه یک ذخیره‌گاه دینامیک برای کارهای گذشته ماست که تجسمی درونی از آگاهی ما نسبت به جهان را شکل می‌دهد. تفکر زودگذر و آنی از ره‌گذر عملیات گذشته عقل است، و در عین زمان آگاهی‌های موجود تجدید شده و جزئی از سوابق حافظه جمعی می‌شود (۱۹۹۲: ۲۵).

از خلال این نظریه فلسفی، که جودیت گرین مطرح ساخته است، بین گفتاری که بر پایه حافظه است و تفکر ارتباطی ناگسستنی است. این است که گفتار شفاهی را از دایره بی‌قیدی و بی‌نظمی‌رهایی می‌بخشد.

به این ترتیب می‌توان گفت شعر جاهلی در فرهنگ عرب مقدمه وزینی است برای دگرگونی‌یی که بر ساختار عقلانی عرب عارض خواهد شد، همان عقلانیت پیشرفته در اندیشیدن و نظام‌های ارتباطی آن. سخنان منظوم شفاهی موجود در دوره جاهلی آنی نبود؛ بل که با توجه به عدم وجود وسایل نوشتاری و عدم دسترسی عرب به این وسایل از طریق دیگر کشورهای که خط و ورق را می‌شناختند؛ ضرورت حفظ و بقای آن در حافظه فردی و جمعی به طور آگاهانه درک شده بود؛ بناءً همان عقلی که کلام شفاهی را شکل می‌دهد، کم کم به طرف نوشتار به جلو می‌رود، این دگرگونی با تغییرات دگر در روش زنده‌گی، شهرنشینی، یادگیری هنرها و حرفه‌هایی که عرب‌ها دورترین مردم از آن بودند، ارتباط تنگاتنگی دارد.

۳-۱. شعر نوشتاری

می‌توان گفت که شعر مکتوب دومین عنصر تشکیل‌دهنده فرهنگ عرب است. دانش‌مندان به این نظراند که نوشتن با نشانه‌های زبانی در ارتباط است؛ بناءً هیچ نشانه زبانی قبل از نوشتن وجود نداشته است؛ اما همین اکنون هم اگر به مرجع شفاهی متن نوشتاری رجوع کنیم، نشانه‌های زبانی پس از نوشتن هم موجود نیست (اونگ؛ ۱۹۹۴: ۱۲۴)، ارتباط بین فکر و زبان در مرحله نوشتاری بیش‌تر به چشم می‌خورد، این همان فرضیه‌ی است که اونگ در سخنانش ثابت نموده است: «فکر در سخن نهفته است نه در متن‌هایی که معنی آن از ایماء نمادهای بصری به عالم صدا گرفته می‌شود» (همان‌جا). از آن‌جایی که شکل نوشتاری پس از گفتاری شکل می‌گیرد، دقیق‌تر و روان‌تر است، برای همین است که وسایل ارتباط نوشتاری با پیدایش ورق، پیشرفت جامعه عرب و دستیابی به هنرهای حرفه‌ی ملت‌های دیگر تنوع یافت.

باتوجه به وسایل کاربردی در دو سیستم شفاهی و نوشتاری در فرهنگ عرب، شگاف و تفاوت موجود در میان این دو نظام، از طرف پژوهش‌گران قابل انکار نیست، در نظام شفاهی حافظه متکا است و در نظام نوشتاری ورق، در عین حال همین دوری و جدایی موجود در بین این دو نظام انعکاس‌دهنده تداخل و به‌هم‌پیوسته‌گی این دو است؛ حضور نشانه‌های شفاهی در متن‌های نوشتاری بیان‌گر این مدعا است. برای همین تلاش می‌کنیم که این به‌هم‌پیوسته‌گی را در یک محور مستقل بررسی کنیم تا به نتیجه مهمی دست‌یابیم که نشان‌دهنده ساختار کامل و هم‌آهنگ فرهنگ عربی است و ویژه‌گی خاص این فرهنگ را در میان فرهنگ‌های دیگر جهان تجسم می‌بخشد. والتر اونگ در کتاب خویش «الشفاهیه والکتاییه / شفاهی و نوشتاری» روی‌کرد دوجانبه‌ی را مطرح می‌کند که ممکن است برای مطالعه زبان عربی به کار رود. این همان چیزی است که مترجم کتاب در مقدمه به ما گوش‌زد کرده است، او در هنگام بیان اهداف خویش از ترجمه کتاب می‌گوید: «هدفی که از ترجمه این کتاب به دست خواهد آمد این است: تشویق پژوهش‌گران ادبیات عربی و دانش‌جویان این رشته به تجدید نظر در این ادبیات؛ از کلاسیک تا معاصر؛ در پرتو مقایسه ادبیات شفاهی و مکتوب» (۱۹۹۴: ۹).

۲. شعر جاهلی و چالش اصالت آن

شاید مهم‌ترین چیزی که شعر جاهلی را از بقیه میراث عرب متمایز می‌سازد، این است که این شعر جای‌گاه نقطه آغازین در مطالعات پژوهش‌گران را دارد، پس مهم‌ترین میراثی است که زنده‌گی عرب جاهلی را تجسم می‌دهد، انعکاس‌دهنده زنده‌گی بدوی ایشان، روش زنده‌گی و دیدگاه شان به جهان است، در همین شعر نظام‌های نمادین شان تصویر شده و دربردارنده اشتیاق عرب جاهلی به زنده‌گی صحرایی و روش‌های خاص این زنده‌گی است، عرب از دشواری‌های زنده‌گی شکوه می‌کند، بر خرابه‌های دیار یار می‌ایستد و نبردها و آشوب‌ها را توصیف می‌کند؛ اما مهم‌ترین ویژگی این شعر که توجه پژوهش‌گران را به خود جلب کرده است، اصالت شعر جاهلی و زادگاه یا سرچشمه آن است. شعر جاهلی شفاهی است و پیوسته از زبان پیشینیان توسط پسینیان روایت می‌شود، تا این که به شکل نوشتاری درمی‌آید؛ اما با این حال از جعل، انتحال و گمانه‌ها به اصلتش در امان نمانده است؛ چون شعر جاهلی گاه فرهنگ اسلامی عرب را مجسم می‌کند و اصول ساختاری آن را در طی قرن‌هایتمادی به تصویر می‌کشد، تا جایی که باعث شده است، امروزه پژوهش‌گران در پی بررسی و واکاوی این اشکال شناختی برآیند.

آن چه در این جا توجه مان را به خود معطوف می‌کند سخنان محمد بربری در پژوهش وی تحت عنوان «اختلاف در بین آگاهی شفاهی و آگاهی نوشتاری» است، و آن این که تدوین شعر به خاطر ارتباط محکم آن با قرآن کریم بوده است، چون پیشینیان شعر جاهلی را از مهم‌ترین مظاهری می‌دانند که تجسم بخش همان زبان عربی است که بدان وحی آمد. شعر جاهلی از این طریق به یک سند و پای‌گاه زبانی بدل می‌شود (۲۰۱۰: ۱۹). و ارتباط بین شعر و قرآن هم در همین حد است؛ یعنی شعر جاهلی مقدمه‌یی است برای فهم اصطلاحات و نمادها در زبان عربی، تا به این ترتیب عرب‌ها توانایی ورود به جهان فراخ قرآن کریم را بیابند؛ هرچند که زبان قرآن - اگر چه ساختار این زبان را حفظ کرده است - معجزه است و در عین حال تأثیرگذار، بناءً نمی‌توان شعر جاهلی را به دور از قرآن بررسی کرد (همان جا).

پژوهش‌گران هنوز در گیرودار بیان اصالت شعر جاهلی‌اند، آیا این شعر از تمدن‌ها و اشعار پیش از خود متأثر شده است؟ آیا عرب‌ها، قبل از اسلام از فرهنگ‌ها و دانش‌های موجود در حول و حوش شان آگاهی داشته‌اند؟ اگر این فرضیه‌ها را بپذیریم، گذرگاه‌های ارتباطی شان چه بوده است؟ آیا این گذرگاه‌ها شنیداری بوده یا نوشتاری؟ یا این که شعر جاهلی زاده محیط جاهلی است و در تصویرها و الهام‌های خود از چوکات جغرافیایی محدود در جزیره العرب قبل از اسلام بیرون نشده است؟ پاسخ به این پرسش‌ها هنوز هم نسبی است؛ چون مطالعات علمی

و دقیقی در این عرصه وجود ندارد، هرچند که شعر جاهلی از طرف پژوهش‌گران از گذشته تا امروز بسیار مورد توجه بوده است؛ اما به بیان اصالت آن توجه لازم صورت نگرفته است، دلیل این بی‌توجهی را می‌توان در این موارد دانست:

شعر در ثقافت اسلامی عرب هنوز دارای مفهوم ثابتی نیست؛ بناءً ناقدان و پژوهش‌گران توجه‌شان را به تصحیح این مفهوم معطوف داشته‌اند تا به یک باور خاصی در این مورد برسند؛

توجه پژوهش‌گران به موضوعات شعر جاهلی و تصویرها و روش‌های هنری آن بدون توجه به مسأله اصالت؛ که برخاسته از غلبه ذوق زیبایی‌شناسیک و هنری بر دیگر چالش‌هایی است که شایسته غور و مذاقه‌اند، از جمله بیان اصالت و خاستگاه‌های شعر جاهلی.

بیان اصالت شعر جاهلی یکی از چالش‌های اساسی‌ای است که در تاریخ فرهنگ اسلامی عرب به عالم سکوت و فراموشی سپرده شده است (جبوری؛ ۱۹۹۷: ۵۷)، اصالت وابسته به اصول، میراث، ابداع و آفرینش‌های ذهنی است، ممکن است طرح این مسأله و جست‌وجو در ریشه‌های شعر جاهلی نتایج نگران‌کننده‌یی را به دست دهد، همانند مطالعات و نتایجی که برخی از پژوهش‌گران به دست آوردند (Cambridge University Press, ۱۹۲۵: ۸۹). از جمله دست‌آوردهای این پژوهش‌ها این است که شعر جاهلی در سبک و ساختار هنری خود وابسته و متأثر از متونی است که پیش از آن بوده است و این شعری است که خالی از جعل و انتحال نیست، این همان فرضیه‌یی است که طه حسین آن را در کتاب خود «فی الشعر الجاهلی / در باب شعر جاهلی» ثابت نموده است و باعث قلم‌فرسایی بسیاری از ناقدان عرب در این خصوص گردیده است، این‌ها جاهلی‌بودن محض خاستگاه شعر جاهلی را رد می‌کنند و شاید همین دیدگاه مقدمه‌یی برای گمانه‌زنی در میراث فرهنگی، ادبی و علمی عرب باشد، حتا سخن به جایی رسید که بسیاری از پژوهش‌گران به این باور رسیدند که میراث فرهنگی عرب در دوره اسلامی نیز از تمدن یونان الهام می‌گیرد، در حالی که این تأثیرپذیری از باب تبادلات آگاهانه فرهنگی عرب است، آن‌ها می‌دانستند که اکتفا به خود باعث پیشرفت معارفی بسان ساینس، طب، ستاره‌شناسی و دیگر علوم نمی‌شود، پس فرهنگ ملت‌های دیگر را مطالعه نموده، به زبان خود ترجمه و از آن استفاده کردند، ادبیات و فلسفه نیز بهره‌افری از این ترجمه‌ها داشت و بعدها در پیشرفت نظریه ادبی و فلسفی عرب سهم داشت و شاید کتاب «فن شعر» ارسطو، تأثیر عمیقی در ادبیات عرب و نظریه بلاغی و شعری آن داشته است. اکنون ما در تلاش‌ایم تا اندیشه‌های طه حسین را در این‌باره بیان داریم، کتاب وی یکی از آثار نوینی است که مناقشات بسیاری را درباره بیان اصالت شعر جاهلی

برانگیخته است، و یکی از کتاب‌های مرجع در پژوهش‌های امروزی است که می‌توان با تکیه بر آن این چالش را توضیح و بررسی نمود، این پیش‌فرض به خاطر معاصر بودن این نویسنده و ارزش علمی و اکادمی طه حسین است.

۲-۱. گمانه‌ها در شعر جاهلی

شکی نیست که اندیشه‌های طه حسین بر پایه اصول شناختی و روش‌مند، استوار و هم‌آهنگی شکل یافته است، پس کتاب «فی الشعر الجاهلی / در باب شعر جاهلی» اثری است که طه حسین دیدگاه‌های نقدی خود را درباره ادبیات کلاسیک عرب با استفاده از مطالعات ره‌یافت‌های متقابل نوین درباره شعر جاهلی به اجمال آورده است، باید گفت که این کتاب اثری طولانی و دراز نیست؛ اما با آن هم دست‌آوردهای نویسنده تأثیر به‌سزایی در مطالعات عربی و بی‌اعتبار کردن اصول کلاسیکی که شعر جاهلی بر پایه آن استوار است، داشته است. طه حسین در طرح دیدگاه‌های خویش به برخی از مطالعات غربی‌ها و مستشرقانی (Cambridge University Press، ۱۹۲۵: ۸۹) که از آن اطلاع یافته و به دیدگاه‌های آن‌ها درباره اصالت شعر جاهلی قانع شده بود، نیز استناد نموده است؛ این کتاب مجموعه‌ای از کنفرانس‌هایی است که نویسنده ارائه کرده و پس از آن در سال ۱۹۲۶ آن‌ها را گردآورده است؛ اما با آن هم غوغایی علمی، دینی و سیاسی بر پا کرد، چه این که نویسنده با وجود ارتباط عمیقی که با ادبیات و شعر جاهلی داشت، به نظر فقها و کسانی که در مقابل اندیشه‌های وی بحث و ایستاده‌گی کردند، اندیشه‌های طه حسین مقدمه‌یی برای بی‌اعتبار کردن و ویران کردن میراث امت شمرده شده و در مناسبت‌های بسیاری جبهه‌گیری و تعصب در برابر طه حسین باعث شد کتاب وی ممنوع‌النشر اعلان شود؛ سپس در مناسبت‌های دیگری کتاب تجدید چاپ شده و در کتابخانه‌های بزرگ در دسترس خواننده‌گان قرار گرفت. طه حسین به این باور است که دست‌آوردهای این اثر خودش قانع‌کننده است، او می‌گوید: «من به نتایج این پژوهش چنان قانع شدم که هرگز به یاد نمی‌آورم در موقف دیگری از مطالعات خویش در تاریخ ادبیات عرب چنین قانع شده باشم» (بی‌تا: ۱۳). شاید این پیش‌گفتار به متن کتاب ضمیمه شده باشد، به ویژه زمانی که مخالفت‌ها در میان طه حسین و مخالفانش شدت گرفت، برای همین به ادامه سخنش می‌گوید:

حاصل شدن این باور و قناعت قوی مرا بر آن داشت تا در این فصل‌ها

به نشرش برسانم، آن هم بدون توجه به خشم خشم‌گینان و بی‌زاری جستن

از دروغ‌باغان. من مطمئن‌ام که اگر این پژوهش گروهی را به خشم آورد و

بر عده دیگری سخت تمام شود، همان عده اندکی از روشن‌فکران

درس‌خوانده را خوش‌نود می‌کند، همان کسانی که در واقع توشهٔ آینده، ستون‌های نهضت نوین و گنجینهٔ اندوختهٔ ادبیات معاصراند» (همان‌جا).

طه حسین با این سخنان خویش تأکید دارد که اندیشه‌های وی پایه و اساس مطالعات نقدی است و پژوهش‌های علمی را واضح و روشن می‌کند. برای روشن‌شدن این امر باید بدانیم که کتاب حاوی چه مطالبی است؛ به‌ویژه آن‌چه دربارهٔ اصالت شعر جاهلی است. کتاب به‌طور کل سه بخش دارد و هر بخش شامل مسائل فرعی و به‌هم‌پیوسته‌یی است که مطابق روش دقیقی در هر فصل گردآمده است. نویسنده بخش اول کتاب را به پیش‌گفتار، بیان روش پژوهش و توضیح ارتباط زنده‌گی جاهلی با قرآن و شعر جاهلی اختصاص داده است؛ سپس این باب را با توضیح ارتباط شعر جاهلی به زبان و لهجه‌ها پایان داده است. بخش دوم، مختص به انتحال و جعل در شعر است و بحث را با بخش سوم و سخن‌راندن دربارهٔ شاعران جاهلی به پایان رسانده است، وقتی بخش اول را می‌خوانیم درمی‌یابیم که طه حسین روش متفاوتی را در بررسی شعر جاهلی به پیش گرفته است، او می‌گوید: «ما باید وابسته به هیچ روشی جز روش‌های علمی - پژوهشی راستین نباشیم» (همان: ۲۴). طه حسین به این باور است که شعر جاهلی سند تاریخی‌یی است که می‌توان آن را جدا از دیگر متون ادبی بررسی کرد، همان متونی که در نقد، تفسیر و شرح این شعر به آن ضمیمه شده است و به نظر او به مثابهٔ غل و زنجیرهایی در گردن این شعراند، با گذشتن از این قیود و زنجیرها به نتایج جدیدی دست می‌یابیم که برای مطالعات اکادمی بسیار مفید است، او در تأکید بر این اندیشه‌هایش می‌گوید:

وقتی می‌خواهم زنده‌گی جاهلی را بررسی کنم، از راه اندیشه‌های امرؤالقیس، نابغه، اُعشی و زهیر راهی آن دوره نمی‌شوم؛ چون به آن‌چه که به ایشان نسبت داده می‌شود اعتماد ندارم، من به آن دوره از راه دیگری می‌روم و از راهی آن را مطالعه می‌کنم که در درستی آن جای شکی نیست، آن دوره را در قرآن مطالعه می‌کنم، قرآن راست‌ترین آئینه برای انعکاس دورهٔ جاهلی است (همان: ۲۶-۲۷).

این دیدگاه شایستهٔ آن است که بر اساس آن نظریات نقدی نوینی پایه‌گذاری شود؛ چون در واقع نقطهٔ گذر و تجاوز از همهٔ مطالعات گذشته است و این تصور را که متون عصر جاهلی آئینه‌یی است برای انعکاس زنده‌گی عرب در جاهلیت و جلوه‌های نمادین و ذهنی آن‌ها، به کلی ملغی می‌کند (الأسد؛ ۱۹۸۸: ۲۳۸). طه حسین همهٔ این آثار نگاشته را کنار گذاشته و قرآن کریم را مهم‌ترین سند برای آگاهی از شعر دورهٔ جاهلی می‌داند، ما این دیدگاه مورد نظر طه حسین را تأیید می‌نماییم، که میان نصوص جاهلی اعم از شعر، اخبار، روایات و روش زنده‌گی مردم دوران جاهلی فرق قایل شده است؛ چون این متون متأثر از ارزش‌هایی

مثل عشق به قبیله، یاری رساندن و دفاع از آن است؛ برای همین این متن‌ها مصداقیت خود را در آن دوره از دست می‌دهد، هم‌چنانی که نشان‌دهنده خاستگاه‌های دیگر غیر عربی هم برای شعر جاهلی نیست؛ بناءً قرآن مرجع اساسی برای شعر جاهلی است که ممکن است با امانت ما را به آن دوره ارجاع دهد، به‌ویژه زمانی که بین این دو دوره به اندازه یک‌ونیم سده فاصله است، طه حسین این فرضیه را به این اساس ثابت کرد که قرآن متنی ثابت و غیرقابل تغییر است. مرجع دیگر عصر جاهلی شعر اموی است، او می‌گوید: «و [این دوره را] در شعر کسانی مطالعه می‌کنم که با پیامبر^(ص) معاصر بودند و کسانی که بعد از ایشان آمدند و زنده‌گی‌یی را که پدران شان قبل از ظهور اسلام برای شان رقم زده بود نمی‌پسندیدند؛ پس این دوره را در شعر اموی مطالعه می‌کنم» (بی‌تا: ۲۷).

طه حسین مراجع متنوعی را برای مطالعه شعر جاهلی در نظر دارد که همه پس از دوره جاهلی‌اند؛ اما این مراجع را درست‌تر از متون جاهلی می‌داند. اساس این روش بر مقایسه متن‌ها با یک‌دیگر و یافتن رد پای گذشته در آینده است؛ یعنی مقایسه و گردآوری دلایل و شواهد بر ماهیت شعر جاهلی با استفاده از متون دیگر. این روش پژوهش یکی از شیوه‌های نوین در غرب است که طه حسین برای مطالعه شعر جاهلی برگزیده است و در آن گرایش جدیدی است که از مطالعات کهن پافراتر گذاشته است و دست‌آوردهای آن‌ها را درباره شعر جاهلی، ساختار، سبک و تصاویر آن، که به نظر خود شان یقینی بود ترک کرده و با این شیوه خود همه را تکذیب نمود؛ برای همین کتاب وی تخلف و ناسازواری آشکاری با آثار ادبی نوین پنداشته می‌شود و شاید اولین مرکز شناختی‌یی که طه حسین در صدد بی‌اعتبار کردن و ویرانی آن بود، رد شعر جاهلی به‌عنوان ماده و جوهر اولیه برای مطالعه زنده‌گی جاهلی باشد «زنده‌گی عرب جاهلی در شعر فرزدق، جریر، ذو‌الرمه، اخطل و راغی بیش از اشعاری که به طرفه، عنتره، شماخ و بشر بن ابو خازم نسبت داده می‌شود، تجلی یافته است» (بی‌تا: ۲۸).

طه حسین در نظریه خویش در باب اصالت شعر جاهلی نخست به قرآن استدلال می‌کند و در آغاز یادآور می‌شود که خواننده این باور را ناپسند و عجیب می‌داند. با آن‌که طه حسین این چالش و پیامدهای آن را در مطالعات نقدی خوب می‌داند؛ اما قرآن را آینه‌یی برای دوره جاهلی می‌داند و می‌گوید: قرآن در دل‌ها و نفس‌های مردم تأثیر می‌گذارد، به مجرد نزول آن، سحر سبک و کلام بدیع آن مردم را به حیرت انداخت؛ اما با آن هم در مقابل آن مقاومت کردند و در باب آن با پیامبر^(ص) مجادله و مخالفت کردند، به دنبال تقلید از سوره‌ها و آیه‌هایش برآمدند و بر نهفته‌ها و ظرافت‌های آن درنگ کردند. از دید طه حسین این سبک قرآن نبود که برای عرب جدید می‌نمود؛ بل که تازه‌گی در دعوت جدید نهفته در آن و در زبان

عربی‌بی بود که در آن دوره میان مردم رد و بدل می‌شد، طه حسین یادآور شده که قرآن جامع همه اخبار و باورهای امت‌های پیشین است، می‌گوید: «قرآن بت‌پرستی بت‌پرستان را مردود می‌داند، یهود را مردود می‌داند و نصاری را رد می‌کند و ستاره‌پرستان و آتش‌پرستان را مردود می‌داند» (همان: ۲۹)، قرآن به علاوه توجه به دوره‌یی که معاصر آن است، موضوعات فراوانی هم درباره دوره‌ها و امت‌های پیشین و عصر جاهلی دارد، طه حسین متوجه این امر نیز هست که سخن قرآن در باب عقیده جاهلی است و از این نگاه تصویر قرآن از زنده‌گی دینی عرب به مراتب درست‌تر از این شعری است که به نام شعر جاهلی نامیده می‌شود؛ اما قرآن تنها زنده‌گی دینی را در بر ندارد؛ بل که چیزهای دیگری را نیز بیان می‌کند که در شعر جاهلی نمی‌توان یافت، تصویری از زنده‌گی عقلی قوی آن‌ها بیان می‌دارد، توانایی آن‌ها را در ستیز و جدال نشان می‌دهد، چیزی که قرآن برای مجادله با آن تلاش بسیاری کرد (همان: ۳۱).

قرآن دلایل مجادله‌کنندگان این دوره را تصدیق می‌کند؛ پس ممکن نیست به این‌ها صفاتی چون نادانی، کودنی، درشت‌خویی و سخت‌گیری را نسبت داد، از این دریچه قرآن از دید طه حسین راست‌ترین آئینه برای انعکاس زنده‌گی جاهلی و شعر جاهلی است، می‌گوید: «آیا نمی‌بینی که جست‌وجوی زنده‌گی عرب جاهلی در قرآن مفیدتر از جست‌وجوی آن در شعری نازیبی به نام شعر جاهلی است!» (همان: ۳۵) برای توضیح این مسأله در این مقاله باید خاطر نشان کرد که طه حسین درباره اصالت شعر جاهلی نظریه کامل و همه‌جانبه‌یی دارد؛ اما بنا به کوتاهی مقال در این پژوهش، به طور مجمل به گوشه‌های مهم این نظریه اشاره می‌کنیم، نظریه نخست متکی بر عدم استناد به متون دوره جاهلی و به جای آن استناد به قرآن و اشعار پسینیان است به این اساس که این دو آئینه‌یی از زنده‌گی عرب در دوره جاهلی است. این نظریه به شکل روش‌مندی برپایه آیات قرآنی‌بی که در این زمینه مفید است و اشعاری که بیان‌گر تصویر روشنی از جاهلیت عرب و آن‌چه که وابسته به روش‌های زنده‌گی، عقلانیت، رسم و رواج‌ها و اصول شعر جاهلی است، می‌باشد؛ اما طه حسین شعر جاهلی را با وجود هم‌زمانی آن با زنده‌گی جاهلی نازا می‌داند و به این باور است که این شعر زنده‌گی، دین و منطق جاهلی را به تصویر نمی‌کشد؛ چون خبری از این‌ها در این شعر نیست؛ بل که پس از این دوره در قرآن اخبار آن آمده است. طه حسین تأکید می‌کند که این شعر تصویر درستی از زبان عربی در آن دوره نیز نمی‌باشد؛ با این توجه که زبان عربی در آن دوره زبانی یگانه نبوده، بل که عرب‌ها به دو دسته قحطانی در یمن و عدنانی در حجاز تقسیم شده بودند؛ قحطانی‌ها اعرابی‌اند که ذاتاً عرب بودند؛ اما عدنانی‌ها زبان عربی را کسب کردند. به نظر راویان این دو زبان هرگز با هم یک‌سان نبوده و حتی در کلمات، صرف و نحو آن نیز

تفاوت وجود دارد (همان: ۳۸)، برای همین طه حسین می‌گوید: «این شعر که به نام شعر جاهلی نامیده شده، زبان آن دوره را نشان نمی‌دهد و ممکن نیست درست باشد» (حسین؛ بی‌تا: ۴۱)، دلیل او در این مورد این است که از میان شاعران جاهلی برخی منسوب به یمن بوده و از عرب قحطانی‌اند که به زبانی غیر از زبان قرآن سخن می‌گویند، این زبان زبانی است که از دیدگاه ابوعمر و بن العلاء با زبان عربی هم‌سانی ندارد و این دقیقاً همان چیزی است که در زبان‌شناسی تاریخی نیز ثابت شده است (همان‌جا). ارتباط بین زبان عدنانی و قحطانی بسان ارتباط بین زبان عربی فصیح و یکی از زبان دیگر سامی است. این‌چنین نظریاتی مطالعات نقدی گذشته و حال را که عربی‌بودن شعر جاهلی و یگانه‌گی زبان عربی را درست می‌دانند؛ بی‌اعتبار می‌کند (الأسد؛ ۱۹۸۸: ۱۳۸).

ناقدان عرب و پژوهش‌گران معاصر شعر جاهلی همیشه تأکید می‌کنند که قصیده جاهلی در اوج کمال و بلاغت است و زبان شاعران جاهلی فصیح‌ترین زبان (زغب؛ ۲۰۰۶-۲۰۰۷: ۱۲)؛ اما طه حسین این اندیشه‌ها را که گذشته‌ها و امروزی‌ها از امور مسلم دانسته و به‌گونه سطحی و گذرا اعتراف می‌کنند که شعر قحطانی از عدنانی تفاوت چندانی ندارد و زبان این شعر فرقی با زبان قرآن ندارد؛ رد می‌کند و به این نظر است که مسأله بسی بزرگ‌تر از این سطحی‌نگری است؛ چون وابسته به قضیه مهمی است که در بیان اصالت و انتقال شعر جاهلی سهم مهمی دارد، او می‌گوید: «این شعری که قبل از اسلام به قحطانی‌ها نسبت داده می‌شود بویی از آن نبرده است و از زبان شاعران آن‌ها نیست؛ بل که بعد از اسلام به دلایل مختلفی به ایشان منسوب شده است» (بی‌تا: ۴۲).

طه حسین هم‌سانی میان شعر قحطانی و عدنانی را اساساً نوعی هم‌سانی وهمی می‌داند؛ چون جعل شعر نقش اساسی در ساخت این توهم دارد. هم‌چنان‌که در نزد طه حسین عامل لهجه نیز یکی از دلایل دیگر در گمانه‌زنی به اصول شعر جاهلی است؛ او به این باور است که لهجه‌هایی که عدنانی‌ها اشعار خویش را بدان روایت و نقل کرده‌اند، یگانه نیست؛ بل که بیش از یک لهجه در بین شان مروج بوده است و این‌ها قبیله‌یی‌اند که نه زبان واحدی دارند و نه لهجه‌یی واحد؛ اما شعری که منسوب به این قبیله به ما رسیده است، چیزی از اختلاف لهجه‌ها در آن به چشم نمی‌خورد، بل که شعری یک‌دست و یک‌نواخت است، همین باعث شده که طه حسین این پیش‌فرض‌ها را طرح کند: «یا باید اعتراف کنیم که هیچ تفاوتی بین زبان، لهجه و کلام قبایل عدنانی و قحطانی نیست و یا اعتراف کنیم که این شعر از آن‌ها نبوده؛ بل که بعد از اسلام به آن‌ها وصله خورده است، ما به این پیش‌فرض دوم بیش از نخستین باور داریم» (همان: ۴۵).

اما دیدگاهی که اکنون در صدد بیان آن هستیم، نمی‌توان بدون دلیل و به شکل کورکورانه مطرح نمود؛ چون نتایج بس خطرناکی را به مطالعات ادبی و نقدی به بار می‌آورد؛ اما ما دلایل طه حسین و میزان اعتبار و مقبولیت آن را بیان می‌کنیم، در این چهارچوب بسیار مهم است که دلایل طه حسین را دربارهٔ نظریهٔ جدید وی در باب اصالت شعر جاهلی بدانیم، نظریه‌یی که به شکل تدریجی به گونهٔ روش‌مند در کتاب وی بیان شده است. هرچند اصول این نظریه دربارهٔ تفاوت زبان و لهجه در زمان جاهلیت در نزد دیگر ناقدان گذشته واضح بوده؛ اما به دلیل برانگیختن چالش‌هایی در خصوص شعر جاهلی، تا کنون در پرده مانده است. طه حسین در این باب چند پرسش حیرت‌آوری را مطرح می‌کند و آن این که خلیل بن احمد فراهیدی چه گونه این شعر موزون و مقفی را تدوین نموده است، آن هم با وجود تفاوت‌هایی که در میان گوینده‌گان این شعر در زبان و لهجه به چشم می‌خورد؟ چه گونه این اختلاف در زبان و لهجه‌ها، خللی در اوزان شعری و تقطیع موسیقایی آن وارد نکرده است؟ و چه گونه ارتباطی بین اختلاف در لهجه‌ها و اوزان شعری‌یی که قبایل عرب جاهلی ساخته‌اند، به چشم نمی‌خورد؟ (همان: ۴۷).

همهٔ این فرضیه‌های طه حسین مقدمه‌چینی‌هایی‌اند برای گمانه‌انداختن در اصول شعر جاهلی و جای‌گاه آن در آثار نقدی و ادبی، این گمانه‌های طه حسین بر پایهٔ دلایل روش‌مندی از زبان‌شناسی تاریخی است که نشان‌دهندهٔ تفاوت میان لهجه‌ها و تغییرات فرضی در ساختار شعر جاهلی می‌باشد، مشخص است که گمانه‌زنی‌های او تنها در شعر جاهلی نیست؛ بل که در تمام آثار و پژوهش‌های نقدی و ادبی‌یی است که توسط ناقدان، زبان‌شناسان، علمای عروض و راویان اخبار و شعر تألیف شده است. طه حسین نقش ایشان را در تحریف حقایق تاریخی، زبانی و سبک‌شناسی ویژهٔ شعر جاهلی برجسته می‌داند؛ هرچند که برخی از آن دانش‌مندان اشارات کوتاهی به این چالش داشته‌اند؛ اما بسیار ناچیز است، شاید انتقاد طه حسین از این علما به خاطر سکوت از این اشکال در شعر جاهلی است؛ حال آن که خودش نظریهٔ خویش را در بی‌اعتبار ساختن شعر جاهلی و اصول آن مطرح می‌کند و می‌گوید:

از میان سخنانی که باید رد و نقض شود سخن کسانی است که به این باوراند که اختلاف در لهجه‌ها تا بعد از اسلام ادامه داشته؛ اما این اختلاف در جوهر شعر جاهلی که در عصر اول و دوم اسلامی رواج داشت، تأثیری نگذاشته است، بل که بحرهای آن موزون و الفاظ آن هم‌آهنگ مانده است (بی‌تا: ۴۷).

طه حسین منکر تفاوت لهجه‌ها بعد از اسلام نیست؛ اما این موضوع در عصر جاهلی چنین به نظر نمی‌رسد، چنان‌چه شعر جاهلی با وجود تفاوت لهجه‌ها پس از اسلام به زبان یگانه نقل می‌شود، او می‌گوید:

قبایل عرب پس از اسلام برای ادبیات زبانی غیر از زبان گفتاری شان گزیدند و در نوشتار ادبی مقید به قیودی بودند که اگر به زبان ویژه خود شان می‌نوشتند یا می‌سرودند بدان مقید نبودند؛ یعنی اسلام بر همه عرب‌ها زبانی یگانه را که همان زبان قریش است تحمیل می‌کند، پس عجیب نیست که این قبایل در شعر، نثر و به طور کل در ادبیات خود مقید به این زبان جدید باشند (همان: ۴۷-۴۸).

این گونه است که طه حسین دلیل عدم اختلاف زبان در شعر اسلامی را توجیه می‌کند؛ یعنی زبانی که در آن دوره رایج بوده، همان زبان قریش است که شاعران را از دیگر زبان‌ها و لهجه‌ها بی‌نیاز می‌کند، عامل دینی نیز در این زمینه نقش فعالی داشته است، چنان‌که قرآن به خاطر دوری از پراکنده‌گی و اختلاف در میان مسلمانان به یک زبان واحد قریش تلاوت می‌شد و به این ترتیب طه حسین زبان روایت شعر در دوره جاهلی و اسلامی را قابل مقایسه نمی‌داند؛ چون با این حال طبیعی است که راویان، شعر جاهلی را به زبان قریش که زبان مروج در گفتار و نوشتار دوره اسلامی است، روایت کنند و به نظر طه حسین همین راویان شعر و سیره‌نویسان نقش اساسی در پوشیدن حقایق و عدم پرده‌برداری از آن دارند؛ چون مسائل اختلاف‌برانگیزی‌اند که منجر به ایجاد چالش‌های اساسی در فرهنگ عربی اسلامی شده و روزنی است برای ایجاد گمانه در حدیث نبوی، سیره‌ها و کتاب‌های غزوات.

۲-۲. جعل و انتحال شعر

طه حسین بی‌خبر از قضیه جعل در شعر جاهلی نبوده که آن را یکی از قضایای اساسی می‌داند که در اسناد شعر جاهلی و جست‌وجوی سرچشمه‌ها و تاریخ آن رکنی اساسی است، در آغاز سخن تذکر می‌دهد که قضیه انتحال تنها در میان عرب‌ها نبوده، بل که در میان همه فرهنگ‌ها رواج دارد از جمله دو تمدنی که شعر در آن جعل شده است، تمدن روم و یونان. «پس عرب نخستین امتی نیستند که شعر را جعل نموده و به سلف خویش نسبت داده‌اند، بل که در روم و یونان نیز شعر جعل شده و به شاعران پیشین نسبت داده شده و مردم بدان فریب خورده، باور کردند» (همان: ۵۶). طه حسین با این استدلال و پیش‌فرض‌های دیگری، جعل در شعر جاهلی را از بدیهیات می‌داند و همین موضوع اساس و پایه نظریه وی را شکل می‌دهد. او باور دارد که سبک شعر جاهلی، تصویرپردازی‌های شاعرانه و شیوه بیان آن در باور مردم و رواج این شعر به عنوان شعری که خاست‌گاه آن دوره

جاهلی است، نقش اساسی داشته است؛ اما ایمان به آن سنتی است که از یک نسل به نسل دیگر دست‌گردان شده است (جبوری؛ ۱۹۹۷: ۸۰)، و باز تأکید می‌کند که محتوای نظریه‌وی جدید بوده و با نظریات گذشته‌یی که ناقدان و پژوهش‌گران بدان عادت داشتند هم‌صدا نمی‌شود؛ چون این نظریه بر پایه‌ی روشی تاریخی تطبیقی، تاریخ شعر جاهلی، ساختار درونی، شرایط محیطی و حتا کتابت آن را بررسی می‌کند (بدوی؛ ۱۹۷۹: ۴۵).

طه حسین باور دارد که سیاست نیز نقشی اساسی در قضیه‌ی جعل شعر عربی دارد، او ارتباط عرب‌ها با سیاست را ارتباطی اساسی و ساختاری می‌داند که از امور روزمره، جامعه و آبادانی‌های آن‌ها جدا نبوده، بل که یکی از عوامل مؤثر در ساختار نمادین جامعه است. با آمدن اسلام عرب‌ها نیازمندی به حفاظت و برتری این دین را احساس کردند؛ بناءً نیاز شان به عصبيت افتاد و به این ترتیب هر دو سطح لازم و ملزوم یک‌دیگر پنداشته شده و تا زمان ظهور دولت نوین هم‌چنان پیوسته ماندند (جابری؛ بی‌تا: ۹۹)، و وقتی عرب‌ها می‌خواستند از دین خود دفاع کنند نیاز به نیروی سیاسی داشتند و به این ترتیب نقش شعر در یاری اسلام اساسی بوده است هم‌چنان که در مدح قبایل و هجای آن‌ها نیز نقشی اساسی داشته است، اگر

شعر جاهلی همان آبشخوری باشد که شاعران شعر خود را از آن می‌گیرند، لازم است

که تاریخ‌نگار ادبیات در وقت خواندن شعری که به نام جاهلی مسمی است، به ناچار

در صحت آن شک کند؛ به خصوص زمانی که چیزی می‌بیند که از آن بوی عصبيت

می‌آید و یا گروهی را بر گروهی دیگر برتری می‌دهد. این گمانه‌ها زمانی افزون می‌شود

که قبیله‌ی مورد تأیید این شعر از قبایلی باشد که نقشی اساسی - چنان که می‌گویند - در

زنده‌گی سیاسی مسلمانان داشته باشد (حسین؛ بی‌تا: ۷۹ - ۸۰)

پرواضح است که قضیه‌ی انتحال با انگیزه‌های سیاسی، اجتماعی و دینی شکل گرفته و واقعیت کنونی عرب با ظهور اسلام و دگرگونی ساختار جامعه و اساسات آن نیز در این قضیه سهیم بوده است (جبوری؛ ۱۹۹۷: ۹۷). از دیدگاه‌هایی که توجه طه حسین را سخت به خود جلب کرده است این است که می‌گوید: «گاه در برخی از موارد این جعل و انتحال در شعر زاده‌ی این است که صحت و راستی نبوت را ثابت کند» (بی‌تا: ۸۱). بسیاری از صاحب‌نظران شعر جاهلی و ناقدان با این دیدگاه طه حسین مخالفت کردند؛ چون در واقع مقدمه‌یی است برای گمانه‌ردن در نبوت پیامبر (ص)؛ اما طه حسین دلایل متعددی را می‌آورد که دیدگاه-هایش را ثابت می‌کند، شاید مهم‌ترین آن‌ها قرآینی باشد که در کتاب‌های اخبار در ضمن احادیث به چشم می‌خورد و نشان‌دهنده‌ی این است که مژده‌ی نبوت و بعثت محمد (ص) را می‌دهد (همان: ۱۰۰).

طه حسین برای اثبات این دیدگاه خویش به تفکیک متون کلاسیک پرداخته و آن‌ها را به روش علمی تحلیل می‌کند، روایت‌ها را مقایسه کرده و برخی را بر دیگر روایات ترجیح می‌دهد، مصادر مورد استفاده وی برای قناعت‌دادن خواننده به نتایج مطالعاتش گوناگون بوده و از نگاه زمانی متفاوت است. او به راویان مشخصی اکتفا نکرده؛ بل که از روایت‌های مختلف و راویان مختلف سود برده تا دیدگاه منسجمی را در باب گمانه‌زنی در شعر جاهلی ایجاد نماید. آنچه در این راستا قابل توجه می‌باشد این است که با وجود نتایج مهم و خطیری که کتاب وی به بار می‌آورد با آن هم به استدلال خویش در این راستا ادامه می‌دهد و هرگز در تکرار این سخن خویش متردد نمی‌شود: «بدون شک عصبیت عرب ایشان را وادار نموده تا شعر را جعل کنند و به قبیله‌های خویش در جاهلیت منسوب کنند، آن هم پس از این که شعر این قبایل از دست رفته بود» (همان‌جا)؛ پس شعر جاهلی جعلی و انتساب ناروا است و آنچه به ما رسیده جز تصویر نادرستی از آن نیست؛ اما این راویان شعر به عوامل مختلفی از جمله دینی، سیاسی و اجتماعی آن را ساختند. طه حسین به این باور است که راویان در گذشته‌ها چالش‌های شعر جاهلی را می‌دانستند؛ اما به شرح این ابهام نپرداختند، از جمله نمونه‌هایی که در این باره مطرح می‌کند: «آن‌ها در اشعاری که به عدی بن زید نسبت داده می‌شد نوعی نرمی و روانی را می‌یافتند که با دوره جاهلی تناسب نداشت، اما تلاش می‌کردند تا دلایل توجیه‌کننده‌ی برای این امر بیابند از جمله آب و هوا، ارتباط با فارس‌ها و عادت کردن به شهرنشینی که اهل حیره داشتند» (همان‌جا). با وجود این موضوعات به نظر طه حسین عواطف دینی دگرگون و عواطف سیاسی از مهم‌ترین عوامل جعل شعر به جاهلی‌ها است و به تبع آن این شعر منسوب به ایشان، دو نوع دینی و سیاسی است. از جمله شواهد دیگری که به این دو عامل در جعل شعر جاهلی می‌افزاید، ادبیات داستانی است. به نظر طه حسین هنر قصه‌گویی در دوره اموی‌ها و عباسی‌ها شکل یافته و با ظهور خواندن و نوشتن به شکل تدریجی بساط آن برچیده شده و مردم از این هنر روی گشتانده و به مکتوب روی آوردند؛ با این هم طه حسین این مورد را یکی از عواملی می‌داند که در جعل شعر جاهلی سهیم بوده است، پس مردم عادت به شنیدن قصه و خیال‌بافی و شور و شوق آن کرده بودند و این‌گونه تأثیر آن بر شعری که به دوره جاهلی نسبت داده می‌شود بالا است (همان: ۱۰۳). طه حسین به این باور است که قصه‌گویان وابسته به احزاب سیاسی بوده‌اند، بناءً توجه آن‌ها به ساخت و جعل داستان‌ها و نبردها در واقع خدمت به احزاب شان پنداشته می‌شد، داستان‌ها به خاطر دو عامل سیاسی و دینی افزونی یافت و نیازهای مردم را لیبیک گفته، ایشان را مشغول کرد، اراده‌های شان را برانگیخت، عقل‌های شان را با قدرت‌های سیاسی مطابق میل شان

مصروف می‌داشت. این گونه است که جعل شعر جاهلی آغاز شده و به دروغ به دوره جاهلی نسبت داده شد، حال آن‌که این شعر در دوره‌یی زاده شد که به طور کل از محیط جاهلی سوا است؛ چه در سطح زبانی و چه در سطح خیال و چه در نظام‌ها و نمادها، پس از آن این داستان‌ها به آثار الهام‌بخشی تبدیل شد که از سلف به خلف انتقال کرد (بی‌تا: ۱۰۵-۱۰۸). به اضافه این عوامل شعوبیت (قوم‌گرایی) نیز در جعل شعر جاهلی نقش داشته، مراد طه حسین از شعوبیت کینه‌بی‌است که پس از شکست فارسی‌ها در مقابل عرب‌ها در دل‌های شان جای گرفته بود و به این ترتیب در جعل شعر و اخبار عرب و انتساب آن به دوره جاهلی نقش داشته است. این تأثیر از نیمه دوم قرن اول هجری پس از سکونت گزیدن بسیاری از فارسی‌ها و چیره‌دست شدن شان در زبان عربی، گرویدن به احزاب سیاسی و نظم شعر آغاز شده و به دفاع از جای‌گاه خویش در میان عرب‌ها پرداختند (همان: ۱۱۹-۱۲۰). طه حسین سخن خویش را در باب عوامل جعل شعر، به ذکر نقش راویان خاتمه می‌دهد؛ اما به نظر او این عامل از جمله عوامل نخستینه و مهم نیست، با آن‌که همین راویان به جاهلی‌ها آثار شعری و نثری را نسبت دادند که از ایشان نیست. به نظر طه حسین این راویان به اندازه‌یی که دل‌بسته به لُهو و فساد بودند، به اخلاقیات بسته‌گی نداشتند؛ بناءً از چنین گروهی بعید نیست که چیزی به کسی نسبت دهند و یا به شعر افزونی و کاستی وارد کنند (همان: ۱۳۰-۱۳۱). در این باب طه حسین می‌گوید: «همه چیز در سه قرن نخستین از زنده‌گی اسلامی به جعل شعر فراخوانی می‌دهد؛ چه در زنده‌گی صالحان و نیکان و چه در زنده‌گی فاسقان و فاسدان، اگر موضوع چنین باشد، آیا گمان می‌کنی هنوز هم پذیرفتن سخنان پیشینیان [در باب شعر جاهلی] بدون نقد و بررسی، از روی زیرکی و دقت است؟» (همان: ۱۳۶). پایان سخن طه حسین در باب جعل و انتقال این است که این پدیده را به قدری که در میان دیگر ملت‌ها یافتیم، در میان عرب‌ها نیافتیم؛ با آن‌هم در ادبیات عرب پرداختن به این موضوع بسیار مهم است، چون ما را از دیدگاه‌های تقلیدی رهایی داده و ممکن است باعث پیشرفت مطالعات ادبی در باب شعر جاهلی شود، البته با توجه به این‌که موضوع بسیار دقیق بوده و کوشش و تلاش بسیاری را در این زمینه می‌طلبد تا از نگاه اعتمادآمیز به تابوها و به‌ویژه شعر جاهلی به‌درآییم.

نتیجه گیری

طه حسین در روشی که برای گمانه زنی در شعر جاهلی و جعل آن برگزیده بود، نوآور بود. دیدگاه وی مبحث دشوار و مبهمی است که کسی از صاحب نظران معاصر عرب بدان نپرداخته است و به جز اشاره های ناچیزی که در کتاب های گذشته گان یافت شده سخن دیگری در این باب نیست؛ درباره همان اندک هم ناقدان و پژوهش گران باتوجه به اختلافی بودن آن، بدان توجه نکرده و نتایج آن ها مورد تأیید شان نیست. طه حسین اندیشه های خود را به طور روان و ساده بر پایه روشی علمی و شک آمیز به اساس استقراء تاریخی و مقایسه بین روایت ها پی افکنده است، با اتکاء بر این که محیط در ساختار ذهنی و نمادین گروه ها و افراد سهم دارد. به نظر وی روش های انتروپولوژی برای رسیدن به نتایج قابل قبول در این زمینه بسیار مفید است. از قلم نماند که اساس این اندیشه بر پایه اجتهاد و تأویل است، پس نتایج آن نسبی است؛ به ویژه در نزد طرف داران کلاسیک. طه حسین با این کتاب خویش از طرف عده یی محکوم شناخته شده است، چون اندیشه هایی این چنینی مقدمه یی است برای ایجاد شک در میراث امت؛ اما با این وجود هم کتاب در کتابخانه های عربی و در نزد بسیاری از ناقدان معاصر رواجی یافته و الحان خشم آلود بر آن سبک تر شد و به این ترتیب مطالعه و بررسی آن از طرف محققان آغاز گردید. در این مقال نیز کوشش بر آن بود تا اندیشه های طه حسین بازخوانی شود و امید است که اهمیت کتاب در پیش رفت نظریات نقدی در شعر عرب، برای خواننده واضح شده باشد. ممکن است اندیشه های طه حسین را در پرتو اندیشه های نوین در علوم متنی گسترش داده و به نتایج قناعت بخشی رسید، آن هم بدون غرض و اعتراض به رساله وی، در واقع این شیوه جوهر پژوهش های علمی راستین است. متکای این کار می تواند بر این سخن طه حسین باشد که اخبار جاهلیت از طریق روایت تاریخی دقیق و یا به شکل مکتوب به ما نرسیده؛ بل که از طریق داستان ها و افسانه ها رسیده است. بناءً پژوهش گران امروز باید برای ارائه نظریه دقیق و علمی درباره شعر جاهلی در دیدگاه های طه حسین تجدید نظر کرده و آن را با اندیشه های گذشته گان مقایسه کنند.

سرچشمه‌ها

سرچشمه‌های عربی

کتاب‌ها

۱. ارسطوطاليس. (۱۹۵۳). **فن الشعر**. ترجمه عبدالرحمن بدوی. قاهره: مكتبة النهضة المصرية.
۲. اسد، ناصرالدين. (۱۹۸۸). **مصادر الشعر الجاهلي و قيمتها التاريخية**. بيروت: دارالجل.
۳. بنيفست، ايميل. (۱۹۹۵). **مسائل في اللسانيات العامة**. بيروت: سيروس.
۴. جابري، محمد عابد. (بی‌تا). **فكر ابن خلدون العصبية والدولة**. معالم نظرية خلدونية في التاريخ الإسلامي، قاهره: مركز مطالعات الوحدة العربية.
۵. جبوري، يحيى وهيب. (۱۹۹۷). **المستشرقون والشعر الجاهلي**. كويته: دار الغرب الإسلامي.
۶. حسين، طه. (بی‌تا). **في الشعر الجاهلي**. بيروت: دارالمعارف للطباعة والنشر.
۷. گرین، جودیت. (۱۹۹۲). **التفكير واللغة**. ترجمه عبدالرحيم جبر. قاهره: الهيئة المصرية العامة للكتاب.
۸. لالاند، اندريه. (۲۰۰۲). **موسوعة لالاند الفلسفية**. چاپ دوم. بيروت: نشر عويدات.

مقالات

۹. اونگ، والتر. (۱۹۹۴). «الشفاهية والكتابية». ترجمه حسن البنا عزالدين. سلسلة عالم المعرفة. شماره ۱۸۲.
۱۰. بدوی، عبدالرحمن. (۱۹۷۹). «پژوهش‌های مستشرقین در باره اصالت شعر جاهلی». کویت: دارالعلم للملایین.
۱۱. بریری، محمد. (۲۰۱۰). «الخصومة بين الوعي الشفاهي والوعي الكتابي». مجله الجسرة الثقافية، شماره ۱، جون ۲۰۱۰.
۱۲. زغب، احمد. (۲۰۰۶-۲۰۰۷). «جمالية الشعر الشفاهي، نحو مقاربة أسلوبية سيميائية للنص الشعري الشفاهي». دانش کده زبان و ادبیات، بخش زبان و ادبیات عربی.

۱۳. عبداللطیف، افریدو. (جمادی الثانی ۱۴۳۴). «البنیة والبنیویة من المفهوم إلى الاصطلاح». مجله أصوات الشمال. شماره ۲۷.

انگلیسی

14. Cambridge University Press. (۱۹۲۵). Margoliouth The Origins of Arabic P